چهارمین همایش بین‌المللی دانشجویان
ادبیات، تاریخ و مطالعات فرهنگی
4th International Conference
Literature, History and Cultural Studies Students
www.lci.cdsts.ir

نهادهای آموزشی آسیای مرکزی پیش از حمله مغول بر پایه منابع جغرافیایی، تاریخی و سفرنامه‌ها

سید علی میرقیداری [*۱]، مبین قادرمرزی [۲]

۱-دانشجو مقطع کارشناسی ارشد،رشته تاریخ، گرایش آسیای مرکزی و قفقاز،دانشگاه تهران، ایران، تهران

۲- دانشجو مقطع کارشناسی ارشد، رشته تاریخ، گرایش آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه تهران، ایران، تهران

چکیده

منطقه آسیای مرکزی از نخستین قرون اسلامی تا پیش از حمله مغول (قرن هفتم هجری)، به‌ویژه در دوره‌های سامانیان و غزنویان به یکی از مهم‌ترین کانون‌های آموزشی و علمی در جهان اسلام بدل شد. این مقاله با تکیه بر متون جغرافی‌نویسان مسلمان مانند ابن حوقل، مقدسی، نرشخی، اصطخری، و دیگر منابعی چون سفرنامه‌ها (مانند سفرنامه ابن فضلان، و منابع اروپایی قرون میانه) و تحقیقات نوین مانند آثار بارتولد، جورج مک‌دیسی (نهادهای آموزشی در اسلام و غرب)، به تحلیل ساختار، نقش و عملکرد نهادهای آموزشی در شهرهای عمده این منطقه می‌پردازد. در این مقاله تلاش شده است تا چشم‌انداز جامع‌تری از حیات علمی این مراکز، به‌ویژه با تأکید بر تنوع علوم، نهادهای وقف، کتابخانه‌ها، نظام حلقه‌های درسی، و نسبت این نهادها با قدرت‌های سیاسی و نخبگان فرهنگی ترسیم گردد.

کلمات کلیدی: آسیای مرکزی، نهادهای آموزشی، علوم، وقف، کتابخانه ها

مقدمه

ورود اسلام به آسیای مرکزی در قرون اولیه هجری تحولات اساسی در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و دینی این منطقه پدید آورد که آثار آن هنوز در تاریخ‌نگاری علمی و فرهنگی تمدن اسلامی مشهود است. در این دوره آسیای مرکزی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی، دینی و فرهنگی جهان اسلام شناخته شد. گسترش اسلام نه‌تنها به دگرگونی نظام‌های دینی و فرهنگی انجامید، بلکه زمینه شکل‌گیری یک مرکز برجسته تمدنی در تاریخ اسلام را فراهم آورد. این تحول به‌ویژه در شهرهای بزرگ و تاریخی آسیای مرکزی مانند بخارا، سمرقند، بلخ، مرو و نیشابور رخ داد؛ شهرهایی که پیشینه‌ای غنی داشتند و پس از ورود اسلام به قطب‌های فرهنگی، علمی و دینی منطقه تبدیل شدند؛ تاثرات این تحولات فراتر از مرزهای محلی و در تاریخ جهان اسلام نیز نمود یافت.

حمایت‌های سیاسی و اجتماعی سلسله‌های محلی، به‌ویژه سامانیان، نقش بنیادینی در تأسیس و تحکیم این جایگاه ایفا کرد. سامانیان با تقویت نهادهای علمی و فرهنگی و پشتیبانی از دانشمندان و متفکران، به شکوفایی علم، فلسفه و فرهنگ در منطقه کمک کردند. آنان علاوه بر حمایت از

*نویسنده مسئول

ایمیل نویسنده مسئول: aylyasydmakan@gmail.com

فعالیت‌های علمی، با ترویج و گسترش نهادهای آموزشی—از جمله حلقات علمی و مکتب‌خانه‌ها—فضایی پویا برای آموزش و پژوهش فراهم آوردند که به تدریج به شکل‌گیری شبکه‌ای پیچیده از مؤسسات آموزشی و فرهنگی منجر شد.

از منظر تاریخی، عصر سامانیان یکی از ادوار درخشان رشد علم، فلسفه و ادب در ماوراءالنهر محسوب می‌شود. پژوهشگران برجسته بر این باورند که در این دوره زبان فارسی نقش مهمی در انتقال دانش و فرهنگ پیدا کرد و در رشته‌هایی مانند فلسفه، پزشکی، ریاضیات و تاریخ‌نگاری مورد استفاده قرار گرفت؛ روندی که تأثیرات آن فراتر از آسیای مرکزی و در بخش‌های دیگر جهان اسلام نیز دیده شد و در تقویت موقعیت فارسی به‌عنوان زبان علمی سهم داشت. همچنین برخی مطالعات به الگوهای آموزشی بنیان‌گذاری‌شده در این دوره اشاره می‌کنند که بعدها مبنای تأسیس مدارس و مؤسسات آموزشی رسمی در سایر نقاط جهان اسلام قرار گرفت (برای نمونه: بررسی‌های تاریخی در مورد ظهور مدارس و دانشگاه‌ها در اسلام و غرب).

در اجرای پژوهش حاضر ابتدا قرار بود رویکردی مبتنی بر پژوهش‌های جدید و پایان‌نامه‌ها اتخاذ شود، اما به دلیل عدم دسترسی به منابع ثانویه مرتبط در منابع آنلاین و محدودیت زمانی، بیش‌تر متکی بر منابع دست اول و منابع در دسترس شد. با این وجود، پژوهش تلاش کرده است با روش توصیفی ـ تحلیلی و استفاده از منابع اولیه و ثانویه، شبکه آموزشی، علمی و فرهنگی آسیای مرکزی در قرون نخستین اسلامی را بازسازی و تحلیل کند.

این پژوهش می‌کوشد نشان دهد چگونه تأثیرات اجتماعی، سیاسی و علمی این دوره نه‌تنها به ارتقای علمی و فرهنگی منطقه انجامید، بلکه به توسعه تمدن اسلامی در گستره جهان اسلام یاری رساند. همچنین بررسی می‌کند که با تغییر جهت‌های فکری و تحولات سازمانی در دوره‌های بعدی از جمله افول برخی مکاتب عقل‌گرایانه و رشد گرایش‌های عرفانی و نقادی نظری—بخشی از دستاوردهای پیشین کمرنگ شد یا مسیر تحول آن تغییر یافت؛ مطالعه نقش شخصیت‌ها و جریان‌های فکری در این فرایند از اهداف مهم پژوهش است.

در نهایت، هدف این مقاله ارائه تحلیل جامعی از فرایند گسترش علم، فرهنگ و آموزش در آسیای مرکزی در دوره سامانیان است تا با بازسازی مستند و علمی روابط و نهادهای آموزشی و فکری آن دوره، نقش آسیای مرکزی در شکل‌دهی تمدن اسلامی و توسعه مکاتب عقل‌گرایانه به‌روشنی تبیین شود.

روش‌شناسی و روش تحقیق :

این پژوهش با هدف تحلیل و بازسازی شبکه پیچیده و منسجم آموزشی، علمی و فرهنگی آسیای مرکزی در قرون نخستین اسلامی، از یک رویکرد روش‌شناختی ترکیبی بهره می‌برد. به منظور دستیابی به این هدف، از روش‌های تحقیق کیفی، به‌ویژه روش توصیفی-تحلیلی، با قلبه توصیف استفاده شده است.

۱ .روش توصیفی–تحلیلی :

در این پژوهش، ابتدا به جمع‌آوری و توصیف دقیق داده‌ها و اطلاعات مربوط به نهادهای آموزشی، فعالیت‌های علمی و فرهنگی، و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی مؤثر بر این تحولات پرداخته شده است. منابع مورد استفاده در این مرحله شامل متون تاریخی و جغرافیایی کلاسیک، سفرنامه‌ها، و پژوهش‌های نوین خارجی است. پس از جمع‌آوری و سازماندهی داده‌ها، به تحلیل عمیق این اطلاعات پرداخته شده است. در این مرحله، تلاش شده است تا با بررسی روابط بین متغیرهای مختلف، الگوها و روندهای موجود در توسعه نهادهای آموزشی و فعالیت‌های علمی و فرهنگی در آسیای مرکزی شناسایی و تبیین شوند.

۲ .منابع تحقیق :

برای دستیابی به جامعیت و دقت در تحلیل، از دو دسته منبع اصلی استفاده شده است:

- **منابع دست اول :**این منابع شامل متون تاریخی و جغرافیایی کلاسیک مانند آثار ابن حوقل، مقدسی، اصطخری، نرشخی، و ابن فضلان است. سفرنامه‌ها نیز در این دسته قرار می‌گیرند. این منابع، اطلاعات ارزشمندی را در مورد ساختار، عملکرد، و نقش نهادهای آموزشی، و همچنین فضای علمی و فرهنگی آسیای مرکزی در قرون نخستین اسلامی ارائه می‌دهند.

- **منابع دست دوم :**این منابع شامل پژوهش‌ها و مطالعات نوین انجام شده توسط محققان و مورخان معاصر است. آثار بارتولد و جورج مک‌دیسی (ترکستان تا پیش از حمله مغول و ظهور دانشگاه‌ها: نهادهای آموزشی در اسلام و غرب) از جمله مهم‌ترین منابع دست دوم مورد استفاده در این پژوهش هستند. این منابع، با ارائه تحلیل‌ها و تفسیرهای جدید، به غنای بحث و تعمیق درک ما از موضوع کمک می‌کنند.

۳ .ابزار گردآوری داده‌ها :

در این پژوهش، از ابزار خاصی بجز سایت های دانلود اینترنتی برای گردآوری داده‌ها استفاده نشده است، بلکه تمرکز اصلی بر توصیف منابع موجود بوده است. با این حال، سازماندهی ، ویراستاری و مدیریت اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق هوش مصنوعی برای ترجمه اثر جورج مک دیسی و مدیریت منابع و استناد، به دقت و کارایی پژوهش کمک کرده است.

۱. منابع تاریخی، جغرافیایی و سفرنامه‌ها:

۱.۱ منابع تاریخی، جغرافیایی و سفرنامه‌ها از اهمیت ویژه‌ای در فهم و تحلیل تحولات فرهنگی، علمی و اجتماعی دوره‌های مختلف تاریخ برخوردارند. این منابع به‌ویژه در مطالعه تاریخ تمدن اسلامی و فرآیندهای شکل‌گیری آن در مناطق مختلف، از جمله آسیای مرکزی، نقشی بی‌بدیل ایفا کرده‌اند. در این میان، سفرنامه‌ها و آثار جغرافیایی که توسط سیاحان، مورخان و جغرافی‌دانان مسلمان تدوین شده‌اند، درک عمیقی از وضعیت علمی، فرهنگی و اجتماعی این مناطق به ما ارائه می‌دهند. یکی از برجسته‌ترین منابع تاریخی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، اثر ابن حوقل به نام *صورة الارض* است که در آن به شرح جغرافیای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نواحی مختلف اسلامی، از جمله آسیای مرکزی، پرداخته شده است.

ابن حوقل، جغرافی‌دان و سیاح قرن چهارم هجری، در کتاب خود به توصیف دقیق و جامع از بسیاری از شهرهای مهم جهان اسلام پرداخته است. از جمله این شهرها، سمرقند و بخارا هستند که به‌ویژه در دوران اسلامی به عنوان مراکز مهم علمی و فرهنگی شناخته می‌شدند. ابن حوقل در *صورة الارض* اشاره دارد که در سمرقند حلقه‌های درس در مسجد جامع، دارالعلم‌ها و حتی در میدان‌های عمومی برگزار می‌شدند(صفحه ۳۵۱تا ۳۵۴). این اطلاعات نشان‌دهنده وجود یک فضای علمی و فرهنگی پویا و متنوع در این شهر است که در آن دانش در عرصه‌های مختلف از جمله فقه، حدیث، ریاضیات و فلسفه به‌طور گسترده آموزش داده می‌شد. چنین فضایی نه تنها به ارتقای سطح علمی جامعه کمک می‌کرد، بلکه به یکی از ویژگی‌های بارز تمدن اسلامی در آسیای مرکزی تبدیل شد.

ابن حوقل همچنین بخارا را به عنوان «شهری زنده در علم حدیث و فقه» توصیف می‌کند، جایی که خانه‌ها و مکان‌های عمومی وقف علم بوده‌اند. این توصیف به وضوح نشان می‌دهد که در بخارا نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی و دینی آن دوره، نهادهای آموزشی متعددی وجود داشته است که به تربیت و آموزش نسل‌های مختلفی از علما و دانشمندان پرداخته‌اند. در حقیقت، این شهر یکی از مهم‌ترین قطب‌های علمی در دنیای اسلام به شمار می‌رفت که تأثیرات آن تا قرون بعدی نیز در دنیای اسلام مشهود بود.

توصیفات ابن حوقل از سمرقند و بخارا همچنین نشان‌دهنده رشد و گسترش شبکه‌های علمی و آموزشی در آسیای مرکزی است. در این دوره، چنین مراکزی نه تنها به‌عنوان کانون‌های آموزشی در داخل خود، بلکه به‌عنوان الگوهایی برای سایر مناطق جهان اسلام نیز عمل می‌کردند. تأسیس و

گسترش این نهادهای علمی در کنار حمایت‌های سیاسی و اجتماعی که از سوی سلسله‌ها و حاکمان محلی مانند سامانیان صورت می‌گرفت، موجب شد که آسیای مرکزی به یکی از مهم‌ترین مراکز علمی و فرهنگی تمدن اسلامی تبدیل شود.

این منابع تاریخی و جغرافیایی همچون *صورة‌الارض* که میشود گفت نسخه از مسالک الممالک اصخری بود که با افزونه های از جمله مناطق وراورد توسط ابن حوقل نگاشته شده است، ابزارهای ارزشمندی هستند که نه تنها درک عمیقی از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی آن دوره فراهم می‌آورند، بلکه به ما این امکان را می‌دهند که فرآیندهای تحول علمی و فرهنگی در این منطقه را در بستر تاریخ و جغرافیا بازسازی کنیم. به‌ویژه در تحلیل‌های مربوط به نقش آموزش و تحصیلات در شکل‌گیری تمدن اسلامی، چنین منابعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

۱.۲ منابع جغرافیایی و تاریخی اسلامی، به ویژه آن دسته که توسط سیاحان و جغرافی‌دانان مسلمان در دوره‌های مختلف تدوین شده‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برای بازسازی تاریخ فرهنگی و علمی جهان اسلام برخوردارند. این منابع نه تنها اطلاعات دقیقی در مورد جغرافیا و سیاست در اختیار ما قرار می‌دهند، بلکه به طور غیرمستقیم، وضعیت اجتماعی، فرهنگی و علمی هر منطقه را نیز بازتاب می‌دهند. یکی از منابع برجسته در این زمینه، کتاب *احسن‌التقاسیم* نوشته مقدسی است که به طور خاص به توصیف شهرهای مهم اسلامی در قرون میانه پرداخته و در آن از وضعیت علمی و فرهنگی شهرها به تفصیل سخن گفته است. این اثر نه تنها به عنوان یک سند جغرافیایی، بلکه به عنوان یک مدرک فرهنگی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

مقدسی، جغرافی‌دان و سیاح قرن چهارم هجری، در کتاب *احسن‌التقاسیم* خود به توصیف بسیاری از شهرهای اسلامی پرداخته و ویژگی‌های فرهنگی و علمی آنها را با دقت بررسی کرده است. در میان شهرهایی که مقدسی به آنها اشاره می‌کند، نیشابور و مرو به‌ویژه به عنوان مراکز علمی برجسته در آن دوران مورد توجه قرار گرفته‌اند. مقدسی از نیشابور با عنوان «مدینه العلماء» یاد می‌کند(ج۲، ص۴۵۹) . این عبارت به وضوح نشان‌دهنده اهمیت بالای علمی و فرهنگی نیشابور در دوره اسلامی است و به جایگاه آن به‌عنوان یک مرکز علمی پیشرو اشاره دارد. در حقیقت، نیشابور در دوران طلایی تمدن اسلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تولید علم، فلسفه و ادب شناخته می‌شد.

از سوی دیگر، مقدسی در مورد مرو نیز نکات جالبی ذکر می‌کند. او می‌نویسد که در مرو، علم چنان ارزش دارد که کتابخانه‌ها تا نیمه‌شب باز هستند و فقها در آنجا مناظره می‌کنند(ج۲، ص۴۶۷). این توصیف به وضوح بیانگر فضای علمی پویای این شهر است که در آن تبادل اندیشه‌ها و مناظرات علمی به امری رایج تبدیل شده بود. این وضعیت نشان‌دهنده تأثیر عمیق فضای علمی بر جامعه مرو و نقش این شهر در گسترش علم و دانش در جهان اسلام است. علاوه بر این، کتابخانه‌های مرو که تا نیمه‌شب باز بودند، نشان‌دهنده آن هستند که در این دوره، علم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع فرهنگی و اجتماعی مورد احترام و تقدیر قرار می‌گرفت.

توصیفات مقدسی از نیشابور و مرو به ما این امکان را می‌دهند که تصویر دقیقی از وضعیت علمی و فرهنگی این شهرها در قرون میانه داشته باشیم. در واقع، این توصیفات به‌ویژه در تحلیل توسعه علمی و فرهنگی در آسیای مرکزی و نواحی اطراف آن اهمیت دارند، زیرا آنها نقشی کلیدی در شکل‌گیری و تکامل تمدن اسلامی ایفا کردند. علاوه بر این، این منابع نشان می‌دهند که چگونه شهرهایی چون نیشابور و مرو به کانون‌های علمی تبدیل شدند که در آنها مراکز آموزشی متعددی فعالیت می‌کردند و علم و دانش در آنها رونق داشت.

در نهایت، *احسن‌التقاسیم* به‌عنوان یک منبع جغرافیایی و تاریخی، به ما کمک می‌کند تا نقش شهرهای آسیای مرکزی، به‌ویژه نیشابور و مرو، را در تاریخ علم و فرهنگ اسلامی بهتر درک کنیم. این منابع، با ارائه تصاویری از فضای علمی و فرهنگی این شهرها، نشان‌دهنده اهمیت بالای آموزش و تبادل دانش در دوران اسلامی هستند و می‌توانند به‌عنوان اسنادی معتبر در پژوهش‌های علمی مورد استفاده قرار گیرند.

۱.۳ اصطخری، جغرافی‌دان و مورخ قرن چهارم هجری، در اثر برجسته خود *المسالک و الممالک* که یکی از مهم‌ترین منابع جغرافیایی و تاریخی دوره اسلامی به شمار می‌رود، به توصیف گسترده‌ای از سرزمین‌های اسلامی، به‌ویژه ماوراءالنهر، پرداخته است. این کتاب علاوه بر نقشه‌برداری دقیق از مسیرهای جغرافیایی و تقسیمات سرزمینی، اطلاعات ارزشمندی در زمینه نهادهای علمی، آموزشی و فرهنگی آن دوران ارائه می‌دهد که می‌تواند به فهم بهتر وضعیت علمی و فرهنگی مناطق مختلف جهان اسلام کمک کند. اصطخری در این اثر به‌ویژه بر اهمیت کتابخانه‌ها، مدارس و خانه‌های وقف‌شده برای تدریس علوم تأکید می‌کند و این نهادها را به‌عنوان کانون‌های علمی و آموزشی مهم در مسیر گسترش دانش در نظر می‌گیرد.

اصطخری در توصیف ماوراءالنهر، به‌ویژه شهرهای بزرگ این منطقه مانند بخارا، سمرقند و نیشابور، به کتابخانه‌های بزرگ و مدارس معروف اشاره می‌کند که نقش بسزایی در انتقال و گسترش علم داشتند. در واقع، کتابخانه‌ها در آن زمان به‌عنوان مراکز مهم ذخیره و انتشار دانش عمل می‌کردند. اصطخری به‌ویژه بر این نکته تأکید دارد که در این کتابخانه‌ها، علاوه بر نسخ علمی و دینی، آثار فلسفی، تاریخی و پزشکی نیز نگهداری می‌شد و در اختیار پژوهشگران و دانشمندان قرار می‌گرفت. این مراکز علمی علاوه بر اینکه به‌عنوان محافل مطالعه و تحقیق عمل می‌کردند، محلی برای تبادل افکار و نظرات بین دانشمندان و اندیشمندان از اقصی نقاط جهان اسلام بودند.

یکی از جنبه‌های قابل توجه در توصیف اصطخری، اشاره به خانه‌های وقف‌شده برای تدریس است(صفحات پراکنده۲۰۰تا ۳۰۰مورد مطالعه بود). در بسیاری از شهرهای بزرگ اسلامی، افراد خیر و متمول خانه‌های خود را به‌طور وقف به آموزش و تدریس اختصاص می‌دادند. این خانه‌ها به‌عنوان محافل آموزشی غیررسمی، جایی برای تدریس علوم مختلف، از فقه و حدیث گرفته تا ریاضیات و فلسفه، به‌شمار می‌آمدند. این نهادهای آموزشی غیررسمی، علاوه بر اینکه فرصتی برای دسترسی به علم در اختیار افراد مختلف قرار می‌دادند، به‌ویژه در دوره‌ای که ساختارهای آموزشی رسمی محدودتر بودند، نقش مهمی در حفظ و گسترش دانش ایفا می‌کردند.

از دیگر نکات مهمی که اصطخری در *المسالک و الممالک* به آن اشاره می‌کند، مسیرهای آموزشی است که شاگردان برای پیوستن به حلقات علمی طی می‌کردند. او از این مسیرها به‌عنوان راه‌هایی یاد می‌کند که دانشجویان برای رسیدن به علم و پیوستن به استادان و حلقات علمی معتبر، به ویژه در شهرهای مهم مانند بخارا، سمرقند و نیشابور، طی می‌کردند. این مسیرها نه تنها فیزیکی، بلکه معرفتی نیز بودند؛ زیرا دانشجویان باید به‌منظور ورود به حلقات علمی و گرفتن علم از بزرگان، مراحل سختی را پشت سر می‌گذاشتند. این سفرها و مسیرها، که معمولاً شامل سفر به مراکز علمی بزرگ و ملاقات با استادان برجسته بود، به دانش‌آموزان این فرصت را می‌داد تا به‌طور مستقیم از منابع معتبر علمی استفاده کنند و در محیطی پویا و علمی به‌طور مستمر تحصیل نمایند.

اصطخری با ارائه چنین توصیف‌هایی در *المسالک و الممالک*، به‌طور مؤثر تصویری جامع از وضعیت علمی، آموزشی و فرهنگی ماوراءالنهر در دوران اسلامی ارائه می‌دهد. کتابخانه‌ها، مدارس، خانه‌های وقف‌شده و مسیرهای آموزشی که او به آنها اشاره می‌کند، همگی نشان‌دهنده اهمیت بالای آموزش و علم در این منطقه هستند. این نهادها و ساختارها نه تنها به‌عنوان مؤسسات آموزشی عمل می‌کردند، بلکه به‌عنوان کانون‌های فرهنگی و اجتماعی نیز شناخته می‌شدند که در آن‌ها تبادل دانش و فرهنگ صورت می‌گرفت. به‌ویژه در منطقه‌ای مانند ماوراءالنهر که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی و فرهنگی جهان اسلام شناخته می‌شود، نقش این نهادها در شکل‌گیری و تحکیم تمدن اسلامی غیرقابل انکار است.

۱.۴ نرشخی، مورخ برجسته قرن چهارم هجری، در اثر مهم خود *تاریخ بخارا* به توصیف تحولات فرهنگی و علمی این شهر در دوران مختلف پرداخته است. یکی از دوره‌های مهم در تاریخ بخارا که نرشخی به تفصیل از آن سخن می‌گوید، دوره حکومت نصر بن احمد سامانی است. این دوران نه تنها از لحاظ سیاسی و اقتصادی برای بخارا حائز اهمیت بود، بلکه در بعد فرهنگی و علمی نیز شاهد تحولات چشمگیری بود که در نتیجه حمایت‌های گسترده خاندان سامانی از علم و دانش رخ داد.

نرشخی در *تاریخ بخارا* به‌ویژه به شکل‌گیری مدارس فقهی در این شهر اشاره می‌کند و آنها را به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی آموزش در دوران سامانیان معرفی می‌نماید. مدارس فقهی، که به‌طور خاص در زمینه علوم دینی و فقه اسلامی فعالیت می‌کردند، به‌سرعت در بخارا رواج یافتند و تبدیل به کانون‌های علمی مهمی شدند. این مدارس، به‌ویژه در دوران نصر بن احمد سامانی، نقش عمده‌ای در تربیت علما و فقهای برجسته‌ای ایفا کردند که بعدها تاثیرات زیادی بر توسعه فقه اسلامی گذاشتند.

نرشخی همچنین به حضور علمای بزرگی مانند ابوحاتم سمرقندی و ابو عبید جوزجانی در بخارا اشاره می‌کند. این علمای بزرگ که در آن دوران به‌عنوان استادان برجسته در مدارس فقهی و حلقات علمی فعالیت می‌کردند، نه تنها در تدریس علوم دینی بلکه در گسترش آراء و نظریات علمی جدید نیز نقش داشتند. نرشخی حضور این علمای بزرگ را نشانه‌ای از رونق فکری و علمی بخارا در آن زمان می‌داند و به‌طور خاص بر تأثیر این دانشمندان در شکل‌دهی به فضای علمی و فرهنگی بخارا تأکید دارد.

بخارا در این دوره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی و دینی جهان اسلام شناخته می‌شد. توسعه مدارس فقهی و تربیت علما و فقیهان برجسته در این مدارس، بخارا را به‌عنوان یک قطب علمی در جهان اسلام معرفی کرد که شاگردان و دانش‌پژوهان از نقاط مختلف جهان اسلام برای تحصیل

به این شهر سفر می‌کردند. نرشخی با اشاره به این تحولات علمی و فرهنگی، نقشی حیاتی که خاندان سامانی در شکوفایی بخارا به‌عنوان یک مرکز علمی ایفا کردند را برجسته می‌سازد.

این تغییرات علمی در دوران نصر بن احمد سامانی نه تنها به گسترش علوم دینی، بلکه به شکل‌گیری اندیشه‌های فلسفی و فکری جدید نیز کمک کرد. بخارا در این دوره تبدیل به شهری شد که نه تنها به‌عنوان یک مرکز دینی بلکه به‌عنوان یک کانون علمی در زمینه‌های مختلف از جمله فقه، حدیث، منطق، ریاضیات و فلسفه شناخته می‌شد. حضور علمای بزرگ در این شهر باعث شد تا بخارا به یکی از مهم‌ترین مراکز تحصیل و پژوهش در دنیای اسلام تبدیل شود.

در نتیجه، نرشخی با ارائه جزئیات دقیق و مستند در *تاریخ بخارا*، نشان می‌دهد که دوران نصر بن احمد سامانی یک دوره طلایی برای این شهر از لحاظ علمی و فرهنگی بوده است. شکل‌گیری مدارس فقهی و حضور علمای بزرگ در این مدارس، بخارا را به یک مرکز برجسته علمی در جهان اسلام تبدیل کرد که آثار این تحولات همچنان در تاریخ علم و فرهنگ اسلامی باقی مانده است.

۱.۵ ابن فضلان، جهانگرد و مورخ قرن چهارم هجری، در سفرنامه معروف خود که عمدتاً درباره سفرش به دربار بلغارها و عبور از شهرهای خراسان و آسیای مرکزی است، به مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی و دینی این مناطق پرداخته است. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که ابن فضلان در سفرنامه خود به آن اشاره می‌کند، نفوذ فقه حنفی و ساختار مکتب‌های قرآنی در بخارا است.

ابن فضلان در مسیر سفر خود به‌ویژه در بخارا، که یکی از مهم‌ترین مراکز علمی و دینی آن زمان بود، تحت تأثیر پویایی‌های آموزشی و دینی آن منطقه قرار گرفت. او در گزارش‌های خود به وضوح به نفوذ گسترده فقه حنفی در بخارا اشاره دارد. فقه حنفی، به‌عنوان یکی از مذاهب بزرگ فقهی در جهان اسلام، در این منطقه جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده بود و تأثیرات آن در ساختارهای دینی، قضائی و اجتماعی بخارا مشهود بود. در این راستا، ابن فضلان به نظام آموزشی در این شهر نیز اشاره می‌کند و آن را یکی از ارکان اصلی تمدن مسلمانان در این منطقه معرفی می‌نماید. (مقدمه)

ابن فضلان نظام آموزشی بخارا را به‌عنوان یکی از ارکان مهم تمدن اسلامی در آن دوره می‌بیند. این نظام آموزشی که مبتنی بر نهادهای مذهبی و علمی نظیر مدارس، حلقات علمی و مکتب‌خانه‌ها بود، نه تنها در عرصه‌های دینی بلکه در عرصه‌های علمی مختلف همچون فقه، حدیث، تفسیر قرآن و علوم عقلی فعالیت می‌کرد. به‌ویژه در بخارا، حلقات علمی در مساجد، خانه‌های علم و حتی میدان‌های عمومی برگزار می‌شدند که به‌واسطه آن دانش‌پژوهان از اقصی‌نقاط جهان اسلام به این شهر سفر می‌کردند تا از علمای برجسته بهره‌مند شوند.

ابن فضلان با اشاره به این نکته که نظام آموزشی بخارا در خدمت تقویت ساختار فقهی و دینی جامعه مسلمان آن منطقه بود، نقش این نهادها را در تربیت فقیهان و علمای بزرگ اسلامی برجسته می‌سازد. این نظام آموزشی موجب شد که بخارا تبدیل به یکی از مهم‌ترین مراکز علمی و دینی جهان اسلام گردد که نه تنها در زمینه فقه حنفی، بلکه در علوم دیگر نیز پیشرو بود. به این ترتیب، ابن فضلان به‌طور غیرمستقیم به نقش بنیادین بخارا در شکوفایی تمدن اسلامی اشاره می‌کند و تأثیرات عمیق آن در توسعه علوم دینی و فقهی را بیان می‌نماید.

این توصیفات ابن فضلان از بخارا، به‌ویژه در زمینه تأسیس و گسترش نهادهای آموزشی، نشان‌دهنده اهمیت ویژه این شهر در تاریخ تمدن اسلامی است. بخارا در آن دوران به‌عنوان یک مرکز علمی برجسته شناخته می‌شد که علاوه بر فقه، در علوم دیگر نیز به رشد و شکوفایی دست یافته بود. این پیشرفت‌ها، که به‌ویژه تحت تأثیر حمایت‌های سلسله‌های محلی نظیر سامانیان بود، بخارا را به یکی از درخشان‌ترین مراکز علمی و فرهنگی تبدیل کرد.

۱.۶ در کنار منابع اسلامی که به‌طور مستقیم به تحولات علمی و فرهنگی آسیای مرکزی در دوران اسلامی پرداخته‌اند، منابع اروپایی قرون وسطی نیز نقش مهمی در مستندسازی وضعیت علمی و فرهنگی این منطقه ایفا کرده‌اند. به‌ویژه گزارش‌های فرستادگان بیزانسی و چینی که به‌عنوان منابع خارجی از آن دوران باقی مانده‌اند، اطلاعات ارزنده‌ای را در مورد مراکز علمی آسیای مرکزی و روابط علمی آن با سایر نقاط جهان ارائه می‌دهند.

گزارش‌های فرستادگان بیزانسی به‌ویژه در قرون نهم و دهم میلادی، که از طریق دیپلمات‌ها و تجار به دربارهای امپراتوری‌های اسلامی رسیدند، توجه خاصی به وضعیت علمی و فرهنگی منطقه آسیای مرکزی داشتند. این فرستادگان، که بسیاری از آنان از طریق مسیرهای تجاری به سرزمین‌های اسلامی وارد شده بودند، شاهد تحولات علمی و دینی در شهرهایی چون بخارا، سمرقند و مرو بودند. آنها به‌ویژه بر اهمیت مراکز علمی این منطقه تأکید داشتند و گزارش‌هایی از مراودات علمی میان دانشمندان آسیای مرکزی و محافل علمی در اروپای شرقی و جنوبی به دست داده‌اند.

در این میان، منابع چینی نیز اطلاعات مشابهی در اختیار قرار می‌دهند. چین، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های جهان در آن دوران، با مناطق مختلف آسیای مرکزی روابط تجاری و فرهنگی گسترده‌ای داشت. گزارش‌های چینی، به‌ویژه از سفرهای دیپلماتیک و تجاری، به‌وضوح به تعاملات علمی میان آسیای مرکزی و چین اشاره دارند. برخی از این گزارش‌ها از جمله سفرنامه‌های رسمی و نوشته‌های دیپلمات‌های چینی در خصوص ارتباطات علمی با مناطق اسلامی و حتی مراکز آموزشی در شهرهایی همچون بخارا و سمرقند، اطلاعاتی جالب و مفصل ارائه می‌دهند.

این منابع اروپایی و آسیای شرقی نه تنها به درک بهتر تعاملات فرهنگی و علمی در آن دوران کمک می‌کنند، بلکه تصویر روشن‌تری از جایگاه علمی آسیای مرکزی در روند تکامل تمدن اسلامی و جهانی به ما می‌دهند. به‌ویژه مراودات دانشمندان آسیای مرکزی با محافل علمی در سایر مناطق جهان، که از طریق گزارش‌ها و سفرنامه‌ها قابل پیگیری است، نشان‌دهنده اهمیت این منطقه در تبادل علمی و فرهنگی با دیگر بخش‌های دنیای آن زمان است.

در نهایت، این گزارش‌ها و منابع خارجی می‌توانند به‌عنوان یک گواه بر نقش بارز آسیای مرکزی در رشد و شکوفایی علم و فرهنگ در دوره اسلامی عمل کنند. آنها به‌طور غیرمستقیم تأکید دارند که آسیای مرکزی نه تنها یک منطقه جغرافیایی با فرهنگ غنی و تاریخ طولانی است، بلکه یکی از پیوندهای اصلی در شبکه علمی و فرهنگی بزرگ‌تری است که تمدن‌های مختلف را در دنیای اسلامی و حتی در اروپای قرون وسطی به هم متصل می‌ساخت.

۲ .ساختار و تنوع نهادهای آموزشی:

یکی از ویژگی‌های بارز دوران اسلامی در آسیای مرکزی، نهادهای آموزشی متنوع و پیچیده‌ای است که نه تنها به گسترش علم و فرهنگ در این منطقه کمک کرده، بلکه تأثیرات مهمی بر شکل‌گیری تمدن اسلامی و حتی غربی داشته است. این نهادها از ابتدا به‌صورت خودجوش و با نظارت محلی شکل گرفتند و به تدریج به ساختارهای پیچیده‌تری تبدیل شدند که نظام‌های آموزشی اسلامی را در دنیای اسلام پدید آوردند. در این بخش، به بررسی چهار نوع از نهادهای آموزشی که در آسیای مرکزی در قرون نخستین اسلامی به‌ویژه در دوران سامانیان و پیش از تأسیس نظامیه‌ها نقش برجسته‌ای داشتند، پرداخته می‌شود.

۱. مکتب‌خانه‌ها: آموزش قرآن، ادبیات عربی، خط و آداب شرعی

مکتب‌خانه‌ها در دوران اسلامی آسیای مرکزی نقشی کلیدی در آموزش‌های دینی و فرهنگی ایفا می‌کردند. این نهادهای آموزشی ابتدایی، که بیشتر توسط معلمان محلی اداره می‌شدند، در جوامع روستایی و شهری موجود بودند و در آن‌ها تعلیمات پایه‌ای از جمله قرآن‌خوانی، یادگیری آداب اولیه شرعی، و آموزش زبان عربی و خط قرآن ارائه می‌شد. مکتب‌خانه‌ها معمولاً در خانه‌ها یا در فضاهای عمومی مانند مساجد و حتی در محله‌ها و بازارها ایجاد می‌شدند و به‌طور غیررسمی به تعلیم کودکان می‌پرداختند (کتاب مک دیسی)

این نوع از آموزش معمولاً در سنین کودکی آغاز می‌شد و پس از اتمام دوره‌های ابتدایی در مکتب‌خانه‌ها، دانش‌آموزان به‌طور مستقیم وارد حلقات درسی مساجد جامع یا خانه‌های علم می‌شدند. در این مرحله، مکتب‌خانه‌ها به‌عنوان اولین مرحله تحصیلی شناخته می‌شدند و هدف اصلی آن‌ها ایجاد آگاهی دینی و تسلط بر قرآن و اصول اولیه اسلامی بود. با توجه به اینکه مکتب‌خانه‌ها به‌طور عمده در جوامع روستایی و نواحی کوچک فعالیت می‌کردند، به‌عنوان پایه‌گذار نظام آموزشی اسلامی در سطح محلی عمل می‌کردند

۲. حلقات درسی در مساجد جامع: نظام سنتی تدریس

حلقات درسی، که در مساجد جامع و در نزدیکی مراکز مذهبی و فرهنگی برگزار می‌شد، از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین نهادهای آموزشی در آسیای مرکزی به‌شمار می‌رفتند. این حلقات معمولاً به‌طور غیررسمی و تحت نظر علما و فقیهان برجسته برگزار می‌شدند. در این حلقات، که بیشتر بر اساس روابط استاد و شاگرد سازماندهی شده بود، دروس مختلفی همچون فقه، حدیث، منطق، کلام، و گاهی نیز ریاضیات تدریس میشد (بارتولد)

در این نظام، استاد به‌عنوان مرجع اصلی برای انتقال دانش و شاگردان به‌عنوان کسانی که به دنبال دریافت دانش از استاد بودند، عمل می‌کردند. از آنجا که مساجد جامع مراکز تجمع مذهبی و فرهنگی در شهرهای اسلامی بودند، این حلقات درسی به‌نوعی نقش محوری در توسعه علم و فرهنگ در جامعه اسلامی ایفا می‌کردند. در حلقات درسی مساجد، علاوه بر تدریس علوم دینی، زمینه‌ای برای مناظرات علمی نیز فراهم می‌شد و دانشمندان و فلاسفه از فرصت‌های موجود برای بحث و تبادل نظر در زمینه‌های مختلف علمی بهره می‌بردند.

حلقات درسی مساجد جامع نه تنها برای آموزش مسائل شرعی و دینی اهمیت داشتند، بلکه به‌عنوان مراکز علمی برای گسترش تفکرات فلسفی و کلامی نیز شناخته می‌شدند. به همین دلیل، این حلقات به‌عنوان یکی از منابع اصلی آموزش در سراسر دنیای اسلام، به‌ویژه در آسیای مرکزی، جایگاه ویژه‌ای داشتند.

۳.خانه‌های علم: منازل وقفی و حجره‌های آموزشی

خانه‌های علم یا حجره‌ها، که به‌طور معمول در کنار مساجد قرار داشتند، نوعی نهاد آموزشی متمرکز بودند که بیشتر برای تدریس موضوعات خاص علمی و فلسفی ایجاد می‌شدند. این خانه‌ها به‌عنوان فضاهایی مستقل از مدارس رسمی، اما با ساختاری مشابه، برای آموزش علوم دینی و دیگر رشته‌های علمی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. برخلاف مکتب‌خانه‌ها که بیشتر در قالب آموزش‌های ابتدایی و دینی فعالیت می‌کردند، خانه‌های علم مکان‌هایی بودند که دانش‌آموزان از سراسر منطقه برای یادگیری علوم فقهی، کلامی، و فلسفی به آن‌ها مراجعه می‌کردند.

این خانه‌ها معمولاً در خانه‌های وقفی و یا حجره‌های کوچکی که به‌طور خاص برای تدریس علوم مختلف در نظر گرفته شده بود، واقع می‌شدند. این مراکز، همانطور که از نامشان پیداست، معمولاً تحت نظارت علما و فقها اداره می‌شدند و شاگردان برای شرکت در دروس به آن‌ها مراجعه می‌کردند. همچنین در این خانه‌ها، دانش‌آموزان به‌طور غیررسمی با برخی از علوم دیگر از جمله طب، ریاضیات، و نجوم نیز آشنا می‌شدند. یکی از نمونه‌های برجسته خانه‌های علم در آسیای مرکزی، کتابخانه‌ها و خانه‌های علمی در مرو بود که نقش زیادی در توسعه دانش اسلامی ایفا کرد(مک دیسی)

۴.کتابخانه‌ها: منبع علمی و دسترسی به نسخه‌های خطی

کتابخانه‌ها، به‌ویژه کتابخانه‌های وقفی، دولتی، و خصوصی در دوران اسلامی آسیای مرکزی، نقش مهمی در ذخیره‌سازی و انتشار دانش علمی ایفا می‌کردند. این کتابخانه‌ها به‌عنوان منابع اصلی نگهداری نسخه‌های خطی علمی، دینی، فلسفی، و حتی پزشکی عمل می‌کردند و در بسیاری از موارد، محل تجمع دانشمندان برای مطالعه و تحقیق به‌شمار می‌رفتند. از این کتابخانه‌ها، دانشمندان و فلاسفه‌ای چون فارابی، ابن‌سینا، و ابوریحان بیرونی بهره می‌بردند و به این ترتیب، کتابخانه‌ها به مراکز حیاتی برای ارتقاء علم و فرهنگ در آسیای مرکزی تبدیل شدند.

یکی از نمونه‌های برجسته کتابخانه‌های بزرگ در آسیای مرکزی، کتابخانه مرو بود که به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین مراکز علمی آن دوران شناخته می‌شود. کتابخانه مرو به‌ویژه به‌خاطر داشتن نسخه‌های خطی نادر در زمینه‌های مختلف علمی و دینی شهرت داشت و به‌عنوان مرکزی برای تبادل اطلاعات میان دانشمندان از سراسر دنیای اسلام و حتی اروپا و آسیای شرقی شناخته میشد (بارتولد)

کتابخانه‌ها نه تنها به‌عنوان مکان‌هایی برای ذخیره‌سازی اطلاعات عمل می‌کردند، بلکه خود به‌عنوان مراکز یادگیری و آموزش تبدیل شده بودند. دانش‌آموزان و پژوهشگران می‌توانستند به این منابع علمی دسترسی داشته باشند و از آن‌ها برای پژوهش‌های علمی خود بهره ببرند.

۳ .تنوع علوم و حوزه‌های دانشی:

آسیای مرکزی، به‌ویژه در دوران اسلامی، منطقه‌ای بود که از دیرباز با مراکز علمی و فرهنگی خود شناخته می‌شد. در این منطقه، مجموعه‌ای از علوم مختلف، از جمله علوم نقلی، علوم عقلی، علوم طبیعی و تجربی، و همچنین ادبیات و عرفان، در بستر تاریخ و تمدن اسلامی رشد و شکوفا شدند. این تنوع در حوزه‌های دانشی به‌ویژه در مراکز علمی برجسته‌ای چون بلخ، نیشابور، مرو و بخارا نمود داشت و تأثیرات عمیقی بر تمدن اسلامی و غربی گذاشت. در این بخش، به‌طور جامع به بررسی چهار دسته اصلی از علوم در آسیای مرکزی پرداخته می‌شود: علوم نقلی، علوم عقلی، علوم طبیعی و تجربی، و ادبیات و عرفان.

۱. علوم نقلی: حدیث، فقه (با غلبه مکتب حنفی)، تفسیر، اصول فقه

علوم نقلی، که به‌طور عمده شامل حدیث، فقه، تفسیر قرآن، و اصول فقه می‌شود، در دوران اسلامی آسیای مرکزی به‌ویژه در دوران سامانیان، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی آموزش و پژوهش‌های علمی در نظر گرفته می‌شدند. این علوم عمدتاً بر اساس متون دینی و آیات قرآن و حدیث پیامبر (ص) پایه‌گذاری شده و از سوی دانشمندان مسلمان به‌طور گسترده مطالعه و تدریس می‌شدند. در این میان، فقه، به‌ویژه مکتب حنفی، در آسیای مرکزی دارای غلبه و نفوذ بود و بسیاری از علما و فقها از این مکتب پیروی می‌کردند.

فقه حنفی در آسیای مرکزی نه‌تنها به‌عنوان یک سیستم حقوقی و دینی شناخته می‌شد، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی در جوامع مسلمان نیز نقش داشت. مکتب حنفی که توسط امام ابوحنیفه بنیان‌گذاری شده بود، به‌دلیل رویکرد میانه‌روانه‌اش نسبت به مسائل شرعی و فقهی، تأثیرات گسترده‌ای در این منطقه داشت. این مکتب، که تأکید زیادی بر استفاده از عقل و اجتهاد داشت، به‌ویژه در جوامع شهری آسیای مرکزی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده بود.

علاوه بر فقه، علوم حدیث و تفسیر قرآن نیز در این دوران رشد چشمگیری داشتند. علم حدیث به‌ویژه در مراکزی مانند بخارا و مرو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و بسیاری از علما به جمع‌آوری و تدوین احادیث پرداخته بودند. در کنار این علوم، اصول فقه نیز به‌عنوان علم تنظیم قواعد فقهی و شرعی، در مدارس و حلقات درسی تدریس می‌شد و به‌ویژه در بحث اجتهاد و تفسیر متون دینی مورد توجه قرار می‌گرفت.

۲. علوم عقلی: منطق، فلسفه، کلام، ریاضیات، نجوم

در کنار علوم نقلی، علوم عقلی نیز در آسیای مرکزی دوران اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. منطق، فلسفه، کلام، ریاضیات و نجوم از جمله مهم‌ترین شاخه‌های این علوم به‌شمار می‌رفتند. این علوم تحت تأثیر گسترده فلسفه یونان و ایران باستان قرار داشتند و در مراکز علمی مانند نیشابور، بلخ، و مرو پرورش یافته و توسعه یافتند.

منطق اسلامی، که تحت تأثیر کارهای ارسطو و ابن سینا قرار داشت، به‌عنوان ابزاری برای تحلیل و استدلال در علوم مختلف استفاده می‌شد. در این دوران، دانشمندان بزرگی چون فارابی و ابن سینا به‌طور عمده در زمینه‌های فلسفه و منطق به تحقیق و تدریس پرداختند و بسیاری از ایده‌های یونانی را به زبان عربی ترجمه و تفسیر کردند .فلسفه اسلامی در آسیای مرکزی نه‌تنها در قالب فلسفه مشاء بلکه در قالب فلسفه اشراقی نیز شکوفا شد.

کلام اسلامی نیز در این دوران به‌ویژه در مناطق مرکزی و شرقی ایران و آسیای مرکزی رشد کرد. علم کلام که به‌طور عمده به مسائل عقیدتی و تفسیر آیات قرآن و احادیث پرداخته بود، در این مناطق به‌طور وسیع تدریس می‌شد. به‌ویژه مکتب اشعری و معتزلی در این زمینه تأثیرات زیادی داشتند و محافل علمی در مراکزی چون نیشابور و مرو به بحث و جدل‌های کلامی می‌پرداختند.

ریاضیات و نجوم نیز از جمله علوم عقلی بودند که در آسیای مرکزی دوران اسلامی پیشرفت زیادی داشتند. اخترشناسان و ریاضیدانان مسلمان در این دوران به‌ویژه در محافل علمی مانند رصدخانه مرو و نیشابور به تحقیق و پژوهش پرداختند. آثار برجسته‌ای همچون *الملخص فی الحساب* اثر ابوالوفای بوزجانی و *کتاب الکمال* اثر خیام در این دوران ایجاد شد که از مهم‌ترین دستاوردهای علمی جهان اسلام محسوب می‌شوند.

۳. علوم طبیعی و تجربی: پزشکی (بلخ)، داروشناسی، جغرافیا

علوم طبیعی و تجربی نیز در دوران اسلامی آسیای مرکزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های این علوم، پزشکی بود. بلخ به‌عنوان یکی از مراکز بزرگ پزشکی در دوران اسلامی شناخته می‌شد و پزشکان بزرگی مانند ابوعلی سینا و زکریا رازی در این منطقه فعالیت می‌کردند. آثار این پزشکان در زمینه‌های مختلف پزشکی، جراحی، داروشناسی و شیمی در جهان اسلام و اروپا تأثیرگذار بود.

علم داروشناسی در این دوران به‌طور وسیع در مراکز علمی آسیای مرکزی تدریس می‌شد و در کتابخانه‌های بزرگ این منطقه نسخه‌های خطی مختلفی در زمینه داروشناسی موجود بود. داروسازان مسلمان در این دوران توانستند داروهای مختلفی را از گیاهان دارویی و مواد معدنی استخراج کرده و در درمان بیماری‌ها استفاده کنند.

علاوه بر پزشکی و داروشناسی، جغرافیا نیز یکی دیگر از شاخه‌های علوم طبیعی بود که در دوران اسلامی آسیای مرکزی مورد توجه قرار گرفت. دانشمندان بزرگی چون ابن خرداذبه و یعقوبی در این زمینه آثار قابل توجهی از خود به‌جای گذاشتند که شامل نقشه‌ها و توصیف‌های دقیقی از

مناطق مختلف جهان اسلام و فراتر از آن بود. جغرافیا در این دوران نه تنها به‌عنوان علمی برای توصیف سرزمین‌ها، بلکه به‌عنوان ابزاری برای توسعه تجارت و ارتباطات بین‌المللی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت.

۴. ادبیات و عرفان: نیشابور و بلخ به‌عنوان مراکز صوفیه و شعر فارسی

ادبیات و عرفان نیز در دوران اسلامی آسیای مرکزی درخشید و نیشابور و بلخ به‌عنوان دو مرکز اصلی ادبیات فارسی و عرفان اسلامی شناخته می‌شدند. این دو شهر به‌ویژه در قرن‌های چهارم و پنجم هجری از مراکز مهم تولید شعر و ادب فارسی و همچنین صوفیه بودند. آثار شعرای بزرگی چون فردوسی، خیام، حافظ، و مولانا در این دوران خلق شدند که تأثیرات عمیقی بر فرهنگ اسلامی و جهانی گذاشتند.

عرفان اسلامی نیز در آسیای مرکزی به‌ویژه در نیشابور و بلخ رشد چشمگیری داشت و جریان‌های صوفی‌گری در این مناطق به‌شکل گسترده‌ای رشد یافتند. مدارس و خانقاه‌های صوفیه در این دو شهر به‌عنوان مراکز آموزشی و تربیتی برای پیروان صوفی و مشتاقان عرفان اسلامی شناخته می‌شدند. این مراکز نه‌تنها به‌عنوان مکان‌هایی برای آموزش علوم دینی و عرفانی عمل می‌کردند، بلکه محلی برای رشد و توسعه شعر عرفانی نیز بودند.

۴ .مهم‌ترین مراکز علمی:

دوره‌ی اوج	ویژگی علمی و آموزشی	شهر
سامانیان	علوم دینی، حدیث، مدارس سنتی	بخارا
سامانیان تا سلجوقیان	ریاضیات، فلسفه، نجوم، ترجمه متون یونانی	سمرقند
طاهریان، غزنویان	پزشکی، فلسفه، عرفان	بلخ
سلجوقیان شرقی	فلسفه، فقه، کتابخانه بزرگ	مرو
طاهریان و سلجوقیان	منطق، کلام، تصوف، حدیث	نیشابور

۵ .در تاریخ تمدن اسلامی، حکومت‌ها و نخبگان نقشی برجسته در ترویج علوم و فرهنگ اسلامی داشتند. در آسیای مرکزی، از زمان سلطنت سامانیان تا دوره‌های بعدی مانند غزنویان و سلجوقیان، این نقش به‌ویژه در زمینه‌های مختلف علمی از جمله فقه، پزشکی، نجوم، و فلسفه تأثیرگذار بود. در این بخش، به بررسی تأثیر حکومت‌ها و نخبگان مختلف در این فرآیند پرداخته می‌شود و چگونگی حمایت آنها از علوم مختلف مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نقش حکومت‌ها و نخبگان محلی در ترویج و گسترش علوم اسلامی در این مناطق، در شکوفایی و گسترش فرهنگ علمی ایرانی-اسلامی تأثیر عمیقی داشت.

۱. سامانیان: حمایت از فقهای حنفی و مترجمان

یکی از حکومت‌های برجسته‌ای که در آسیای مرکزی نقش کلیدی در ترویج فرهنگ علمی ایرانی-اسلامی ایفا کرد، سامانیان بودند. سامانیان که از قرن ۹ تا ۱۰ میلادی در مناطق مختلف ایران، افغانستان، و آسیای مرکزی سلطنت می‌کردند، نقش مهمی در شکوفایی تمدن اسلامی در این منطقه داشتند. این حکومت در زمینه‌های مختلف فرهنگی و علمی، از جمله حمایت از فقهای حنفی و مترجمان، تأثیر قابل توجهی داشت.

سامانیان به‌ویژه در حمایت از فقهای مکتب حنفی معروف بودند. این مکتب فقهی که از زمان امام ابوحنیفه پایه‌گذاری شده بود، به‌ویژه در آسیای مرکزی و مناطق هم‌جوار آن به‌طور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفت. در این دوره، بسیاری از فقها و علما تحت حمایت حکام سامانی در دربار و مدارس این حکومت به تدریس و تحقیق در مسائل دینی و فقهی پرداختند. این پشتیبانی‌ها سبب شد که مکتب حنفی در این مناطق رواج پیدا کند و آثار فقهی متعددی در این زمینه نگاشته شود.

در کنار این، سامانیان توجه ویژه‌ای به ترجمه متون علمی داشتند. در این دوران، بسیاری از آثار فلسفی، علمی، و پزشکی از زبان‌های یونانی، پهلوی و سانسکریت به زبان عربی ترجمه شدند. این ترجمه‌ها، که توسط مترجمان برجسته‌ای چون علی بن سهل بلخی و اسماعیل جاحظ انجام می‌شد، به انتقال علم و دانش از فرهنگ‌های مختلف به دنیای اسلامی کمک کرد. بسیاری از این آثار به‌ویژه در زمینه‌های طب، منطق، و ریاضیات در مراکز علمی آسیای مرکزی به‌ویژه بخارا و مرو تدریس می‌شدند.

حکام سامانی، با حمایت از این مترجمان و دانشمندان، نقشی اساسی در تکامل فرهنگ علمی ایرانی-اسلامی ایفا کردند. این سیاست‌ها سبب شدند که بخارا و مرو به مراکز برجسته علمی تبدیل شوند و نسل‌های بعدی از این علم و فرهنگ بهره‌برداری کنند. در این دوران، بخش عمده‌ای از تأسیس مراکز علمی و فرهنگی به‌ویژه در شهرهای مهم آسیای مرکزی، مانند بخارا و مرو، مرهون حمایت‌های حکومت سامانی بود

۲.غزنویان: گردآوری دانشمندان و توجه به طب و نجوم

غزنویان، که از قرن ۱۰ تا ۱۲ میلادی در مناطق ایران، افغانستان و آسیای مرکزی حکومت کردند، نیز در ترویج فرهنگ علمی نقش مهمی ایفا کردند. این حکومت به‌ویژه در دوران سلطنت محمود غزنوی و جانشینانش، به‌طور گسترده‌ای به ترویج علم و فرهنگ پرداخت و از مراکز علمی مانند غزنه و بلخ حمایت کرد. غزنویان با گردآوری دانشمندان و محققان در دربار خود، نه‌تنها به تأسیس و تقویت مدارس علمی پرداختند، بلکه نقش مهمی در گسترش علوم پزشکی، نجوم و فلسفه در این مناطق داشتند.

غزنویان به‌ویژه به علم طب و نجوم توجه زیادی داشتند. در دوران این حکومت، بلخ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز پزشکی شناخته می‌شد و پزشکان بزرگی چون ابوعلی سینا و زکریا رازی از این مناطق برخاسته بودند. این دانشمندان در دربار غزنویان حضور داشتند و به تحقیق و تدریس در زمینه‌های مختلف پزشکی، داروشناسی و جراحی پرداخته بودند. از سوی دیگر، علم نجوم نیز در دوران غزنویان گسترش یافت و بسیاری از علمای نجوم در غزنه مشغول به تحقیق و تدریس بودند.

غزنویان همچنین به ترجمه و انتقال علم‌های غیر اسلامی به زبان عربی توجه خاصی داشتند. بسیاری از آثار علمی از زبان‌های فارسی، یونانی و سانسکریت به زبان عربی ترجمه شدند و در مراکز علمی مختلف تدریس می‌شدند. این ترجمه‌ها به‌ویژه در زمینه‌های پزشکی، ریاضیات و نجوم باعث انتقال دانش و علم به دنیای اسلام شدند و در گسترش علم و فرهنگ اسلامی در آسیای مرکزی تأثیرگذار بودند

۳.سلجوقیان: گسترش مدارس نظامیه

سلجوقیان، که در قرن ۱۱ میلادی به قدرت رسیدند و تا قرن ۱۲ میلادی در ایران و آسیای مرکزی سلطنت کردند، در ترویج علوم و فرهنگ اسلامی نقش اساسی ایفا کردند. یکی از مهم‌ترین اقدامات آنان در زمینه فرهنگ علمی، تأسیس مدارس نظامیه بود. این مدارس، که در شهرهای مختلف ایران و آسیای مرکزی تأسیس شدند، به‌ویژه در نیشابور، بغداد، و مرو، نقش برجسته‌ای در آموزش علوم دینی، فلسفه، ریاضیات و پزشکی داشتند.

مدارس نظامیه به‌عنوان مراکز علمی معتبر در آن زمان شناخته می‌شدند و بسیاری از بزرگ‌ترین فلاسفه و علمای اسلامی در این مدارس تدریس می‌کردند. در این دوره، آثار بزرگان علمی چون غزالی، ابن سینا و فارابی در این مدارس تدریس می‌شدند. این مدارس نه‌تنها محلی برای آموزش علوم دینی بودند، بلکه علمای نظامیه در زمینه‌های مختلف علمی از جمله فلسفه، منطق و فقه نیز تحقیق می‌کردند.

سلجوقیان با تأسیس این مدارس و حمایت از علما و دانشمندان، نقشی اساسی در گسترش علم و فرهنگ اسلامی داشتند. این مدارس نه‌تنها در انتقال علم و فرهنگ به نسل‌های بعدی مؤثر بودند، بلکه باعث شکوفایی علمی در نواحی مختلف ایران و آسیای مرکزی شدند. علاوه بر این، مدارس نظامیه به‌عنوان نمادهایی از گسترش علمی در دوران سلجوقی شناخته می‌شدند و تأثیر آن‌ها بر سیستم آموزشی و علمی جهان اسلام همچنان ادامه یافت

۴. نخبگان محلی: تجار، فقیهان، کاتبان و خاندان‌های فرهیخته

در کنار حکومت‌ها، نخبگان محلی نیز نقش مهمی در ترویج و گسترش فرهنگ علمی ایفا کردند. در آسیای مرکزی، تجار، فقیهان، کاتبان و خاندان‌های فرهیخته نه‌تنها در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار بودند، بلکه در ترویج علم و فرهنگ نیز نقش قابل توجهی داشتند. این گروه‌ها به‌ویژه از طریق وقف املاک و تأسیس خانه‌های علم، به تأسیس و گسترش مراکز آموزشی پرداختند.

تجار، که به‌ویژه در مسیرهای تجاری بزرگ آسیای مرکزی فعال بودند، ارتباطات گسترده‌ای با دیگر مناطق جهان داشتند و این ارتباطات به‌طور طبیعی باعث انتقال علم و فرهنگ به این مناطق می‌شد. از سوی دیگر، فقیهان و علمای محلی با وقف املاک و تأسیس مدارس، به ترویج علوم دینی و فقهی پرداختند. این مدارس، که در شهرهای مختلف آسیای مرکزی مانند بخارا، مرو و نیشابور تأسیس شدند، به‌عنوان مراکز علمی مهم شناخته می‌شدند.

خاندان‌های فرهیخته نیز با تأسیس کتابخانه‌ها، مدارس و مدارس علمی، به حمایت از علوم مختلف پرداختند. این خاندان‌ها، که در بسیاری از موارد از نسل علمای برجسته بودند، همواره در پی حمایت از علما و دانشمندان بودند و به‌عنوان حامیان اصلی فرهنگ و علم در منطقه شناخته می‌شدند. این نقش‌ها نشان‌دهنده تأثیر نخبگان محلی در گسترش فرهنگ علمی ایرانی-اسلامی در آسیای مرکزی بود

۶ .نتیجه‌گیری

نهادهای آموزشی در آسیای مرکزی در دوران اسلامی :

در دوران اسلامی، آسیای مرکزی به‌ویژه در دوران حکومت سامانیان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین مراکز علمی و فرهنگی در جهان اسلام شناخته می‌شود. این منطقه با تاریخ پرفراز و نشیب خود، در زمان سلطنت سامانیان، به مرکز جذب و تولید دانش در عرصه‌های مختلف تبدیل گردید. نهادهای آموزشی مختلفی که در این دوران در آسیای مرکزی به وجود آمدند، نقش بسزایی در توسعه علمی و فرهنگی منطقه ایفا کرده‌اند. این نهادها شامل مکتب‌خانه‌ها، حلقات درسی در مساجد، خانه‌های علم، و کتابخانه‌ها بودند که هرکدام به‌طور خاص در گسترش و ترویج علوم اسلامی و غیر اسلامی سهم عمده‌ای داشتند. این نهادها به‌ویژه در قرون اولیه اسلامی در آسیای مرکزی به‌صورت خودجوش و بدون هیچ نوع نظارت دولتی یا آموزشی رسمی تأسیس شدند، اما با گذر زمان به‌طور غیررسمی تبدیل به ارکان مهم آموزشی و علمی شدند و به‌شدت بر تحولات علمی در جهان اسلام تأثیر گذاشتند. از این‌رو، ساختار و تنوع این نهادها و تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری تمدن اسلامی از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

مکتب‌خانه‌ها و تأثیر آن‌ها بر آموزش قرآن و ادبیات عربی:

مکتب‌خانه‌ها از جمله نهادهایی بودند که در دوران سامانیان و حتی پیش از آن در آسیای مرکزی توسعه یافتند و تأثیر زیادی بر فرآیند آموزش و انتقال علوم در این منطقه داشتند. این مدارس به‌ویژه در روستاها و مناطق غیر شهری و به‌طور عمده تحت نظارت معلمان محلی اداره می‌شدند. در این نهادها، دانش‌آموزان در ابتدا با قرآن آشنا می‌شدند و سپس به آموزش ادبیات عربی، خطاطی، و آداب اولیه شرعی می‌پرداختند. علاوه بر قرآن، این نهادها در زمینه‌های مختلف علمی از جمله ریاضیات ابتدایی و مباحث فقهی نیز آموزش‌هایی را ارائه می‌دادند. نهاد مکتب‌خانه، به‌ویژه در میان اقشار مختلف جامعه به‌عنوان یک منبع دسترسی به علم شناخته می‌شد و توجه به آن در دوران سامانیان بسیار برجسته بود.

حلقات درسی در مساجد جامع و رشد نظام آموزشی سنتی :

حلقات درسی یکی دیگر از نهادهای مهم آموزشی در دوران اسلامی آسیای مرکزی بود. حلقات درسی که عمدتاً در مساجد جامع و بزرگ برگزار می‌شدند، فضایی برای آموزش علوم دینی، فقهی، و فلسفی بودند. در این حلقات، رابطه استاد و شاگرد نقش اساسی داشت و استاد به‌عنوان مرجع اصلی در انتقال علوم و دانش‌ها عمل می‌کرد. در این حلقات، دروس مختلفی چون فقه، حدیث، منطق، کلام، و گاه ریاضیات و نجوم تدریس می‌شد. این حلقات به‌ویژه در شهرهایی چون بخارا، سمرقند و مرو نقش حیاتی در انتقال و ترویج علوم داشتند. به‌علاوه، بسیاری از بزرگان علم و فلسفه در این حلقات درسی به تدریس می‌پرداختند و این امر باعث رونق علمی در این مناطق شد. حلقات درسی در مساجد جامع در آسیای مرکزی به‌طور مستقیم بر گسترش علم در سطح جهان اسلام تأثیر گذاشت و موجب شدند که این نهادها به‌عنوان نمونه‌ای از نظام آموزشی اسلامی در سراسر جهان اسلام شناخته شوند.

خانه‌های علم: خانه‌هایی برای تدریس متمرکز:

خانه‌های علم که به‌طور عمده در کنار مساجد یا در نزدیکی آنها تأسیس می‌شدند، نوعی نهاد آموزشی بودند که شباهت زیادی به مدارس داشتند، ولی پیش از تأسیس مدارس رسمی مانند نظامیه‌ها در دوران سلجوقیان، به‌طور غیررسمی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. خانه‌های علم، منازل وقفی

یا حجره‌هایی بودند که به‌طور اختصاصی برای تدریس علوم مختلف طراحی شده و به‌طور معمول تحت نظارت استادان بزرگ و برجسته اداره می‌شدند. این خانه‌ها به‌ویژه در شهرهای علمی و فرهنگی مانند مرو، سمرقند و نیشابور در دوران سامانیان بسیار رایج بودند و در آنها علاوه بر علوم دینی، علوم عقلی و طبیعی نیز تدریس می‌شد. این نهادها در گسترش علوم و همچنین ارتقای سطح علمی جامعه اسلامی در آسیای مرکزی نقش بسیار مهمی داشتند و از آن زمان به‌عنوان پیشگامان نهادهای آموزشی رسمی در جهان اسلام شناخته شدند.

کتابخانه‌ها و نقش آن‌ها در حفظ و گسترش علم :

کتابخانه‌ها یکی از مهم‌ترین نهادهای علمی در دوران اسلامی بودند که در آسیای مرکزی به‌ویژه در دوران سامانیان و پس از آن نقش اساسی در حفظ و انتقال دانش ایفا کردند. کتابخانه‌ها در این دوران به‌ویژه در شهرهایی مانند مرو و بخارا توسعه یافتند و به‌عنوان منابع عظیمی از نسخه‌های خطی علمی و دینی شناخته می‌شدند. در این کتابخانه‌ها، نسخه‌های متعددی از متون علمی، فلسفی، فقهی و دینی نگهداری می‌شد و بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران برای مطالعه و تحقیق به این کتابخانه‌ها مراجعه می‌کردند. از جمله نمونه‌های برجسته کتابخانه‌ها می‌توان به کتابخانه بزرگ مرو اشاره کرد که یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مراکز علمی در دوران اسلامی بود. این کتابخانه‌ها نه‌تنها محلی برای مطالعه و تحقیق بودند، بلکه به‌عنوان مراکز تبادل علمی میان دانشمندان مختلف از مناطق مختلف جهان اسلام عمل می‌کردند. کتابخانه‌ها به‌ویژه در فرآیند انتقال دانش از شرق به غرب و از شرق به شمال ایران و حتی اروپا نقشی مهم داشتند.

تنوع علمی و پژوهشی در دوران اسلامی آسیای مرکزی :

دوران اسلامی آسیای مرکزی به‌ویژه در دوران سامانیان، دوره‌ای از رشد و شکوفایی علمی در این منطقه بود. در این دوران، انواع مختلفی از علوم در آسیای مرکزی به‌ویژه در شهرهایی مانند بخارا، سمرقند، مرو و نیشابور مورد توجه قرار گرفت. علوم نقلی همچون حدیث، فقه، تفسیر قرآن، و اصول فقه در این دوران از اهمیت بالایی برخوردار بودند. همچنین، علوم عقلی مانند منطق، فلسفه، کلام، ریاضیات و نجوم نیز در این دوران به‌طور گسترده‌ای در آسیای مرکزی تدریس و پژوهش می‌شدند. علاوه بر این، علوم طبیعی و تجربی مانند پزشکی و داروشناسی نیز در این دوران رشد قابل‌توجهی داشتند و شهرهایی چون بلخ به‌ویژه در زمینه پزشکی و داروشناسی معروف بودند. در کنار این‌ها، ادبیات فارسی و عرفان نیز در این دوران به‌ویژه در نیشابور و بلخ رونق زیادی داشتند و این مناطق به‌عنوان مراکز مهم شعر فارسی و صوفیه شناخته می‌شدند.

نقش حکومت‌ها و نخبگان محلی در گسترش علم و فرهنگ:

نقش حکومت‌ها و نخبگان محلی در ترویج علم و فرهنگ اسلامی در آسیای مرکزی بسیار حیاتی بود. حکومت‌های سامانیان، غزنویان، و سلجوقیان همگی با حمایت از علوم مختلف و تأسیس مدارس و مراکز علمی به‌طور مستقیم در توسعه علمی و فرهنگی این منطقه تأثیرگذار بودند. سامانیان، با حمایت از فقهای حنفی و مترجمان بزرگ، نقش کلیدی در ترویج فرهنگ علمی ایرانی-اسلامی داشتند. همچنین، غزنویان با گردآوری دانشمندان در دربار خود و توجه به طب و نجوم، سنت علمی بلخ و غزنه را زنده کردند و موجب گسترش این علوم در مناطق مختلف شدند. سلجوقیان نیز با تأسیس مدارس رسمی مانند نظامیه‌ها در دوران خود، به توسعه علمی در جهان اسلام کمک کردند. علاوه بر این، نخبگان محلی از جمله تجار، فقیهان، کاتبان، و خاندان‌های فرهیخته با وقف املاک و تأسیس خانه‌های علم، نقش بسزایی در گسترش علوم و فرهنگ در این مناطق داشتند. این هم‌افزایی میان حکومت‌ها و نخبگان محلی سبب شد که آسیای مرکزی به یکی از مراکز برجسته علمی در جهان اسلام تبدیل شود.

در نهایت، نهادهای آموزشی در آسیای مرکزی در دوران اسلامی، به‌ویژه در دوران سامانیان، نقش بنیادینی در شکل‌گیری تمدن علمی ایرانی-اسلامی داشتند. این نهادها شامل مکتب‌خانه‌ها، حلقات درسی، خانه‌های علم و کتابخانه‌ها بودند که به‌طور گسترده‌ای در گسترش علوم مختلف در این منطقه نقش داشتند. علاوه بر این، علوم مختلف از جمله علوم نقلی، عقلی، طبیعی و تجربی، و ادبیات در این دوران مورد توجه قرار گرفتند.

فهرست منابع و مآخذ

ابن‌حوقل) .۱۳۸۲ .(*صورة الأرض* (ترجمه جعفر شعار). تهران: نشر نی.

اصطخری) .۱۳۶۸ .(*المسالک و الممالک* (ترجمه ایرج افشار). تهران: نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

مقدسی، محمد بن احمد) .۱۳۷۱ .(*احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم* (تصحیح دخویه، ترجمه علینقی منزوی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نرشخی) .۱۳۸۷ .(*تاریخ بخارا* (ترجمه ابونصر قبادی، تصحیح جعفریان). تهران: نشر توس.

ابن‌فضلان) .۱۳۸۵ .(*سفرنامه ابن فضلان* (ترجمه حسین خدیوجم). تهران: نشر نی.

Barthold, W. (1977). *Turkestan down to the Mongol invasion*. London: Gibb Memorial Trust.

Makdisi, G. (1981). *The rise of colleges: Institutions of higher learning in Islam and the West*. Edinburgh: Edinburgh University Press.

Educational Institutions in Central Asia before the Mongol Invasion: A Study Based on Geographical, Historical, and Travel Literature Sources

[1], Mobin Ghadermarzi[2]*Seyed Ali Mirqeydari

۱. Master's student, History (specialization in Central Asia and the Caucasus), University of Tehran, Tehran, Iran.
۲. Master's student, History (specialization in Central Asia and the Caucasus), University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

From the early Islamic centuries until the Mongol invasion (13th century CE), Central Asia—particularly under the Tahirids, Saffarids, Samanids, Ghaznavids, and Seljuks—emerged as a key center of Islamic learning and cultural activity. This article examines the structure, role, and operation of educational institutions in major cities of the region, drawing from classical Muslim geographical texts (e.g., Ibn Hawqal, al-Muqaddasi, Narshakhi, Istakhri), travel narratives (e.g., Ibn Fadlan), and modern scholarship (e.g., Barthold, Makdisi). Emphasis is placed on the diversity of scientific fields, endowments (Waqf), manuscript libraries, mosque-based study circles, and the dynamic interactions between education, politics, and cultural elites. The paper reconstructs the intellectual landscape of the region prior to the Mongol disruption, highlighting its role in shaping the broader Islamic scholarly tradition.

Keywords: Central Asia; educational institutions; sciences; Waqf (Islamic endowments); libraries.

Corresponding author's email: aylyasydmakan@gmail.com

* Corresponding author